

اتحاد ناسیونالیست های کرد و مخاطرات آن!

بیانیه کمیته رهبری حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

۱- کشمکش دول امپریالیستی و متحدین آنها در خاورمیانه، به قیمت بحرانی کردن منطقه، ویرانی چند کشور و کشتار و آوارگی میلیونها انسان و عروج انواع دسته جات قومی، مذهبی و کانگسترهای نظامی و...، آینده سیاهی را در مقابل مردم این منطقه قرار داده است. بی جوابی دولتهای غربی و بهم ریختن توازن ناپایدار قبلی آنها، جهان را با ناامنی و ناروشتی و کشورهای منطقه را در یک کشمکش ویرانگر و بحرانی کامل روبرو کرده است، امری که مهر خود را بر هر تحولی در منطقه و کشورهای آن از جمله ایران زده است.

امروز آینده مردم خاورمیانه بیش از هر زمانی به کشمکش و رقابت دولتهای تا مفرز استخوان ارتجاعی مانند اسرائیل، عربستان، ترکیه، ایران و... و متحدین جهانی و محلی آنها در دل یک سناریوی مرگبار گره خورده است.

کشمکشی که اساسا با اتکا به جنگهای نیابتی توسط احزاب و گروههای قومی و مذهبی موجود یا دست ساز، پیش میرود. ... صفحه ۲

“خطر کره اتمی”

بهانه ای برای خاورمیانه کردن خاور دور!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

با تصویب قطعنامه تشدید محاصره اقتصادی علیه کره شمالی در شورای امنیت و رای مثبت روسیه و چین به این قطعنامه، فضای جنگی میان امریکا و کره شمالی شدت پیدا کرده و هر دو طرف بر طبل جنگ میکوبند.

خطر "کره اتمی" مانند خطر "ایران هسته ای" و عراق "مسلح به سلاحهای کشتار جمعی"، بهانه و محملی برای حل معضلات بنیادی تر بورژوازی جهانی است. "خطر کره اتمی" اینبار محمل حل کشمکش و تقابل امریکا با چین و جنگ اقتصادی آنان از راه ایجاد شکاف اقتصادی و نظامی میان چین و کره شمالی است. کشف "خطر حمله کره شمالی به امریکا" و "ضرورت دفاع از خود امریکا"، و کشف "خطر کره اتمی" برای دنیا، آنهم از جانب دولت آمریکا که بزرگترین زرادخانه اتمی جهان را در اختیار دارد و بزرگترین تهدید برای بشریت است، بخشی از تبلیغات جنگی برای حل و فصل این کشمکش است. قرار است یکبار دیگر کشمکش میان قدرتهای امپریالیستی، از طریق تحریم اقتصادی کره شمالی و جنگ اقتصادی علیه مردم این کشور و در صورت لزوم جنگ در خاور دور و به بهای نابودی زندگی میلیونها انسان و خاورمیانه کردن منطقه، حل و فصل شود. ... صفحه ۲

رفراندوم در کردستان عراق

مصاحبه رادیو زمانه با خالد حاج محمدی



تحریریه زمانه: ارزیابی شما از همه پرسی استقلال در اقلیم کردستان، زمینه، پیامد احتمالی و محتوای سیاسی آن چیست؟

خالد حاج محمدی: موقعیت امروز عراق بسیار حساس و ویژه است و آینده روشنی در مقابل آن نیست. عراق امروز عملا به سه بخش "شیعه"، "سنی عرب زبان" و "کرد نشین" تقسیم شده است و در هر منطقه ای جریانات قومی و مذهبی حاکم اند. امروز هیچ جریانی عراق متحد را نمایندگی نمی کند. فدرالیسم قومی حاکم نه تنها به مشکل عراق و دسته بندیهای

عشیره ای، قومی و مذهبی و نظامی پایان نداد، بلکه خود زمینه ساز جنگ و تخاصمات قومی و مذهبی بیشتری در جامعه عراق شد.

جنگ موصل "پایان" یافت و همراه آن کشمکش برای تعیین تکلیف قدرت احزاب قومی و مذهبی ای که نمایندگان خودگمارده مردم منتصب به ملیت و مذاهب مختلف اند، شدت گرفته است. ادعای آنها بر مناطق بیشتر و سهم خواهی از قدرت و امکانات عراق، بار دیگر روی میز آمده؛ و این امر آینده تاریکی را در مقابل مردم عراق قرار داده است.

در این میان مسئله کرد که از

معضلات سیاسی قدیمی در منطقه و عراق است، علیرغم حاکمیت بیش از دو دهه احزاب ناسیونالیست کرد بر اقلیم کردستان و در چهارچوب یک حاکمیت فدرالی قومی، جواب مسائل سیاسی گری در این جامعه است. این مسئله مبنای کشمکشی دائمی برای سهم بیشتر، در بالا و در پایین جامعه، هم به تحریک حاکمان بر بخش عربی عراق و هم حاکمان بر ... صفحه ۴

آزادی
برابری
حکومت کارگری

بیانیه حزب ...

۲- عروج ترامپ و تشدید فشار به جمهوری اسلامی، در کنار تخصصات دولتهای مرتجع عربستان، اسرائیل و... با ایران، آلترناتیو سازی اینبار بر متن خاورمیانه قومی و مذهبی شده، شرایط مناسبی را برای ابراز وجود مجدد اپوزیسیون بورژوازی مستاصل و بی افق مهیا کرده است. نیروهای قومی و مذهبی مخالف جمهوری اسلامی از مجاهد تا بخشی از سلطنت طلبان و ناسیونالیستهای "کرد" مجدداً بادبان کشتی در گل نشسته خود را با سیاستهای ترامپ و متحدین محلی او تنظیم کرده اند.

۳- وجود مسئله "کرد"، به عنوان یک معضل تاریخی در ایران، کشتار و توحش جمهوری اسلامی علیه مردم کردستان، تنفر عمیق مردم محروم کردستان از جمهوری اسلامی، سرمایه گذاری احزاب ناسیونالیست کرد روی این واقعیات، کردستان و احزاب ناسیونالیست کرد را کاندید مناسبی برای تسویه حساب دول مرتجع منطقه و امریکا با جمهوری اسلامی کرده است. پیوستن حزب دمکرات کردستان ایران (شاخه هجری) به این سناریو و اعلام دوره جدید مبارزه مسلحانه "راسان"، آغاز این پروسه و پروژه سیاه

علیه مردم در کردستان، و بالطبع ایران، به نام مبارزه با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بود.

۴- بحث "همکاری" پنج جریان اپوزیسیون کرد، دو شاخه حزب دمکرات و دو جریان سازمان زحمتکشان عبدالله مهتدی و عمر ایلخانی زاده همراه با کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) در این دوره و پیوستن "سازمان خبات" (گروهی اسلامی از نوع سنی) در دوره اخیر به این جمع، طرح جبهه کردستانی از جانب عبدالله مهتدی و شکل گیری عملی این اتحاد، نشست و گفتگوهای مکرر آنها به کمک مستقیم مسعود بارزانی و "انستیتیوی تحقیقات خاورمیانه" (میری) در اربیل، زیر آفتی است که سیاست آمریکا و دولتهای مرتجع منطقه و تخصصات آنها با جمهوری اسلامی باز کرده است و جواب به نیازی است که در مقابل آنها گذاشته اند.

۵- با پیوستن رسمی کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) به جبهه ناسیونالیستهای کرد و تصویب رسمی این پیوستن در کنگره ۱۷ این جریان، تدوین پلتفرم این "جبهه" زیر عنوان عوامفربانه "همکاری و تنظیم

مناسبات" با نیروهای سیاسی در کردستان، هم "جبهه کردستانی" و هم کومه له علیرزاده، عملاً و رسماً وارد دوره دیگری از حیات خود شده اند. پیوستن کومه له به این جبهه و رسمیت دادن به آن در کنگره این سازمان، تلاش برای بردن اعتبار کمونیسم در کردستان و تاریخ جدال کمونیستها در این جامعه علیه جمهوری اسلامی، پشت این جبهه و در خدمت آن، مستقل از فریبندگی آن، لطمه ای به چپ جامعه و ضربه ای به جنبش آزادیخواهانه مردم کردستان است. پیوستن کومه له علیرزاده به جبهه ناسیونالیستها، تعرضی از موضع راست علیه چپ و کمونیست و آزادیخواهی در جامعه کردستان است.

۶- اتحاد این جریانات زیر نام "جبهه کردستانی" یا هر نام و نشان دیگری، مستقل از ادعای تشکیل دهندگان آن، مستقل از نیت و هدف هر یک از احزاب و فرقه های قومی و مذهبی تشکیل دهنده آن، انتخابی آگاهانه از جانب آنان برای ایفای نقش در معادلات سیاسی منطقه زیر سایه سیاستهای آمریکا و متحدین او است. "جبهه کردستانی" جبهه ای ارتجاعی است که نه تنها به مبارزات آزادخواهانه مردم کردستان علیه جمهوری

"خطر کره اتمی"

پس از به خون کشیدن خاورمیانه و تبدیل آن به میدان جنگ و کشتار و قتل عام مردم بیگناه با ادعای "گسترش دمکراسی"، "خلع سلاح اتمی دیکتاتورها"، پس از راه انداختن باندهای سیاه قومی و مذهبی و به تباهی کشاندن زندگی میلیونها انسان بیگناه، امروز نوبت خاور دور است. نه جدال ترامپ با کره شمالی و نه قطعنامه شورای امنیت و نه تحریکات نظامی دو طرف ربطی به غیر اتمی کردن دنیا، ندارند. هیچ درجه ای از "دیوانگی" یا دیکتاتور بودن "کیم جونگ اون" مجوزی برای عرو تیزهای ترامپ، این لمپن "ردنکی"، تهدید به "آتش و خشمی که جهان تا به حال به خود ندیده است" و قلدری نظامی امریکا نیست.

بشریت متمدن بیش از بیست سال است شاهد جنگ، کشتار دستجمعی مردم، شاهد نابودی تمدن و تباهی زندگی میلیونها انسان در عراق، افغانستان، سوریه، لیبی، سومالی و...، شاهد عروج باندهای دست سازی چون القاعده، الشباب، داعش، النصر، حشدالشعبی و..... و قتل عام مردم بیگناه به بهانه "گسترش دمکراسی"، "مبارزه با سلاح های کشتار دستجمعی"، "مقابله با دیکتاتورها"، "دخاله بشردوستانه" و.... است. بیست سال است شاهد تبدیل خاورمیانه به میدان حل و فصل کشمکش قدرتهای جهانی بر سر تقسیم مجدد قدرت و شکل دادن به بلوکهای جدید است. کشمکشی که با جنگهای نیابتی و به قیمت به خون کشیدن خاورمیانه و قتل عام میلیونها انسان بیگناه تمام شده است. باید در مقابل این جنایات ایستاد!

نباید اجازه داد اینبار خاور دور و مردم بیگناه این منطقه قربانی قلدری آمریکا و کشمکش بورژوازی جهانی شوند. باید در مقابل خطر خاورمیانه ای کردن خاور دور و عراقیزه کردن کره شمالی به بهانه "خطر هسته ای" ایستاد. باید طبقه کارگر و بشریت متمدن در غرب را علیه تبلیغات جنگی، تحریکات و قلدری نظامی امریکا، بر متن سکوت و همکاری چین، روسیه و دول اروپایی بسیج کرد و به میدان آورد.

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

۹ اوت ۲۰۱۷

اسلامی بیربط است، بعلاوه "دفاع" از مردم کردستان و در خدمت سد کردن آن و تحت لوای مسئله "کرد" و امید بستن به ارتجاع بین ستمگری علیه مردم المللی و منطقه است. پروژه ای که فریبکارانه به نام

زنده باد سوسیالیسم!

مرکب بر جمهوری اسلامی!

بیانیه حزب ...

تشکیل این جبهه نه تنها کوچکترین قدمی در جهت رفع ستم ملی و حل مسئله "کرد" نیست، که سو استفاده از این معضل واقعی در خدمت سیاستی ارتجاعی است.

۷- از آنجا که جمهوری اسلامی خود یکی از مهمترین عوامل و نیروها در دامن زدن به تفرقه و کشمکشهای قومی و مذهبی در منطقه است، دامنه این سیاست و پروژه به کردستان محدود نخواهد ماند و مهر خود را بر آینده مبارزه طبقه کارگر و مردم محروم در ایران برای آزادی، رفاه، برابری و سعادت خواهد زد.

حزب حکمتیست(خط رسمی) اعلام میکند:

- تامین ابتدایی ترین مطالبات سیاسی، رفاهی و اجتماعی مردم آزادیخواه ایران در گرو سرنگون کردن جمهوری اسلامی است. مبارزه آزادیخواهانه مردم کردستان برای رفاه و آزادی و برای زندگی انسانی، مبارزه ای غیر قومی، متمدن، سکولار و بخشی از مبارزه عدالتخواهانه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران علیه جمهوری اسلامی است.

- هر نوع امید بستن به دخالتهای امپریالیستی از محاصره اقتصادی، حمله نظامی و جنگ نیابتی عربستان تا "رژیم چینج" ... در هر گوشه از ایران، اقدامی علیه مبارزات مستقل طبقه

کارگر و مردم آزادیخواه ایران و در خدمت تحمیل یک سناریوی سیاه به جامعه ایران است.

- هر نوع همکاری و بند و بست نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی با دولتها از آمریکا تا دول مرتجع منطقه، به بهانه مبارزه با جمهوری اسلامی و تحت لوای دفاع از مبارزه مردم محروم، هر نوع دیپلماسی سری و دور از چشم مردم، اقدامی علیه مبارزات مردم آزادیخواه ایران است و محکوم است. رابطه با هر دولتی و مذاکره و مناسبات با آنان در هر سطحی باید علنی و با اطلاع مردم ایران و کل نیروهای سیاسی باشد.

- سواستفاده جمهوری اسلامی و تلاش برای میلیتاریزه کردن کردستان به بهانه دخالت دولتهای خارجی، هر نوع دستگیری و پرونده سازی رایج آنها علیه فعالین سیاسی، کمونیستها و آزادیخواهان، فعالین و رهبران اعتراضات حق طلبانه مردم کردستان، را به عنوان توطئه جمهوری اسلامی علیه مبارزات حق طلبانه طبقه کارگران، زنان و محرومین جامعه باید افشا و در مقابلش ایستاد.

- حزب حکمتیست همراه طبقه کارگر، مردم آزادیخواه و کمونیستها در کردستان علیه هر تلاشی جهت قومی و مذهبی کردن مبارزه مردم آزادیخواه کردستان، خواهد ایستاد. هر گونه تحریکات نفاق افکنانه

قومی و مذهبی، تلاشی ارتجاعی علیه طبقه کارگر ایران، علیه همسرنوشتی طبقاتی آنها و علیه مردم آزادیخواه ایران و در خدمت ارتجاع و جمهوری اسلامی است و سد بستن در مقابل چنین تحریکاتی را وظیفه مستقیم خود و هر نیروی سیاسی متمدن و مسئولی میدانیم.

- حزب حکمتیست همراه طبقه کارگر، زنان و مردان آزادیخواه در کردستان، دست رد به سینه "جبهه کردستانی" و افق ارتجاعی این جبهه زیر سایه سیاستهای دولت آمریکا و دول مرتجع منطقه میزنیم، و با مبارزات مستقل و متحدانه خود برای آزادی و برابری، دوشادوش طبقه کارگر و مردم محروم ایران در مقابل جمهوری اسلامی صف میبندیم.

- حزب حکمتیست در مقابل هر تلاشی برای سوء استفاده از تاریخ و اعتبار مبارزه ما کمونیستها در کردستان، سوء استفاده از مبارزه چند نسل از زنان و مردان کمونیست در کردستان توسط رهبری کومه له علیزاده، در خدمت اعتبار بخشیدن به ارتجاع ناسیونالیستی و "جبهه کردستانی"، قاطعانه می ایستد.

حزب حکمتیست(خط رسمی) همه کمونیستها،

رفراندم ... ← ادامه از صفحه ۴

بعلاوه امکان تحریکات قومی برای بسیج مردم کرد زبان برای خدمت به این حاکمیت فاسد مسدود شود.

رفراندم و استقلال کردستان برای حل "مسئله کرد" است و خودبخود به معنای رفاه و آسایش و آزادی برای شهروندان کردستان نیست. تأمین زندگی بهتر در جامعه کردستان، بستگی به توازن قوا میان مردم، کمونیستها و آزادیخواهان در مقابل احزاب بارزانی و طالبانی دارد. احزاب ناسیونالیست کرد دنبال تأمین منافع خود و اقلیتی مفتخور به قیمت فقر و تباهی برای طبقه کارگر و محرومین جامعه اند. آنها نان و زندگی و آزادی مردم محروم را در کردستان گرو گرفته اند. شرط هر بهبودی در این جامعه نقش و توان حزب کمونیست کارگری کردستان و آزادیخواهان در متحد کردن مردم محروم کردستان زیر پرچم رفراندومی آزاد، و استقلال کردستان و همزمان توان آنها در تحمیل یک حاکمیت سکولار و غیر قومی و تأمین حقوق اولیه سیاسی و رفاهی اکثریت مردم کردستان است. نکته دیگر سرنوشت مردم عرب زبان، ترکمن، کلدانی، آسوری، مسیحی، یزیدی و... (اقلیتها) در کردستان مستقل است. تنها راه تأمین جامعه ای امن و متمدن و اولین قدم در این راه، تلاش برای حاکمیتی سکولار، غیر قومی و غیر مذهبی بر کردستان است که همه شهروندان، به دور از تقسیمات قومی و مذهبی، به عنوان شهروندان متساوی الحقوق در آن زندگی کنند.

* متن اصلی مصاحبه در سایت رادیو زمانه به آدرس زیر قابل دسترس است:

<https://www.radiozamaneh.com/351228#hajmohammadi>

فعالین آگاه طبقه کارگر، همه زنان، جوانان و آزادیخواهان و نیروهای سیاسی مسئول را به مبارزه ای همه جانبه علیه جمهوری اسلامی و علیه سیاستهای ارتجاعی دول منطقه و علیه هر گروه و جریانی که تحت هر نامی زیر افق و سیاستهای آنها برود، فرا میخواند. ما همه کمونیستهای جامعه کردستان را به مبارزه ای مشترک، مستقل و سراسری برای جامعه ای آزاد و برابر فرامیخوانیم. جمهوری اسلامی را باید با قدرت

طبقه کارگر و مردم محروم انداخت. نیروی این سرنگونی نه دول مرتجع آمریکا، عربستان، اسرائیل و متحدین آنها، که نیروی طبقه کارگر آگاه و صف انسانهای شرافتمندی است که برای دست یابی به زندگی انسانی و مرفه، آزاد و سعادتمند لحظه شماری میکنند.

حزب کمونیست کارگری-حکمتیست (خط رسمی)

۱۴ اوت ۲۰۱۷

نه قومی! نه مذهبی! زنده باد هویت

سایت آرشیو
مجموعه آثار
منصور حکمت



<http://hekmat.public-archive.net/>

نشریه هفته

حزب حکمتیست (خبر رسمی)

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب
[@HekmatistXateRasmi](https://t.me/HekmatistXateRasmi)

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی
Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی
azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا
aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی
mozafar.mohamadi@gmail.com

از هر نظر فاسد هستند و این را همه می‌گویند. اگر مسئله کرد از طریق فرمانده حل و فصل شود، امکانی برای رشد مبارزات توده ای برای آزادی و بهبود زندگی علیه این حاکمیت پدید می‌آید. ... صفحه ۳

دول منطقه وارد معامله و بازی با سرنوشت مردم کردستان شوند. لذا برای بازرانی امروز هم، فرمانده میتواند به عنوان کارت بازی در معامله با دولت عبادی و دول منطقه استفاده شود. احزاب حاکم بر کردستان

میهنی و حزب دمکرات کردستان (بازرانی) به دلیل منافع مادی خود، نه تنها با آن ایده به مقابله برخاستند، بلکه به بهانه آن دست به تهدید حزب کمونیست کارگری عراق زدند. می‌خواهم بگویم بازرانی فرمانده را کشف نکرده است و او در شرایط معینی خواهان فرمانده شده است. چند فاکتور در اینکه امروز بازرانی کارت فرمانده را بلند کرده، نقش دارد: فدرالیسم قومی حاکم بر عراق عملاً شکست خورده است و عراق عملاً سه تکه است. کردستان عملاً در یک رابطه شکننده با دولت مرکزی، در سردرگمی بسر می‌برد. احزاب حاکم بر کردستان، نفت را که منبع اصلی درآمد آنهاست مستقل از دولت مرکزی از طریق واسطه‌های خود با قیمت بسیار ارزان می‌فروشند. فروش رسمی نفت و سرمایه گذاری و صادرات و واردات در کرستان تا زمانی که تابع عراق است، جز از کانال دولت عراق، در سطح بین المللی مشروعیت ندارد. تعیین تکلیف قدرت در عراق و سهم هر بخش و جریانی بعد از جنگ موصل روی میز مذاکره قرار دارد.

اینها و بسیاری فاکتورهای دیگر برای بازرانی در موضوع بلند کردن پرچم فرمانده نقش دارند. اما بازرانی دنبال منافع خود است و احتمال می‌رود فردا با گرفتن امتیازاتی از عبادی و یا در ساخت و پاختی با ایران یا ترکیه، این پرچم را زمین بگذارد و با سرنوشت مردم کردستان بازی کند.

بازرانی و امثال او، برای مردم کردستان قابل اعتماد نیستند. وجود مسئله کرد به آنها امکانی داده است که تحت لوای آن با دولت مرکزی و حتی

حساب آوردن رأی کل مردم در فرمانده است. در صورتی که نتیجه فرمانده عمومی جدایی کردستان باشد، باید به فوریت همه پرسى دیگری فقط در این مناطق انجام گیرد تا در آن مردم شهرهایی مانند کرکوک و خانقین و... تصمیم بگیرند که آیا می‌خواهند به کردستان مستقل بپیوندند یا در سازمان کشوری عراق باقی بمانند. همین الان شیخ جنگ در این مناطق و برای تعیین تکلیف آن بالای سر مردم است. اگر تکلیف این مناطق با فرمانده حل نشود، حشد الشعبی و پیشمرگه آماده اند آنرا با جنگ حل کنند و این را رسماً می‌گویند.

در کرکوک به دلیل منابع بزرگ نفت ممکن است دولت عراق و دولت کردستان هیچکدام تن به فرمانده ندهند. نباید سرنوشت مردم کرکوک به نفت گره بخورد. مردم کرکوک باید در یک فرمانده تصمیم بگیرند با کدام طرف خواهند بود. مسئله نفت باید با دخالت مثلاً سازمان ملل و با توافق میان دولت مرکزی و کردستان حل و فصل شود.

فرمانده باید زیر نظارت سازمان ملل و دور از هر نوع فشاری برگزار شود. همه احزاب سیاسی باید بتوانند آزادانه مردم را از سیاست خود در مورد آیینده کردستان مطلع کنند. در این پروسه نیروی میلیشای احزاب باید از محل کار و زندگی مردم بیرون بروند و نتیجه فرمانده لازم الاجرا باشد. اینها شرایط یک فرمانده متمدانه و آزاد است.

۲۲ سال است که جریان ما (در ایران و در عراق) فرمانده را به عنوان جواب به مسئله کرد در عراق طرح کرده است. اتحادیه

رفراندوم در ...

اقلیم کردستان، مبنایی برای نفاق و جنگ و تحریکات قومی است.

بر اساس فاکتورهای عینی و واقعی، متأسفانه امکان همزیستی مردم کردستان با بقیه عراق باقی نمانده است. باقی ماندن کردستان در چارچوب عراق در این اوضاع، جز افزایش تنش و جنگ قومی بی پایان نتیجه ای ندارد. نگرانی از جنگ، که در مخالفت با استقلال طرح می شود، در بیش از دو دهه گذشته، همواره و به دلایل مختلف، وجود داشته است. احزاب ناسیونالیست کرد در جریان جنگ موصل سرپناه آوارگان را به جرم "عرب" بودن بر سرشان ویران کردند. قطعاً استقلال بدون کشمکش نیست اما هنوز این کم مشقت ترین راه است.

متمدنانه ترین و کم دردسر ترین راه برای حل مسئله کرد در عراق مراجعه به رای مستقیم مردم کردستان از طریق یک همه پرسى آزاد در مورد ماندن در چهارچوب عراق با حق برابر شهروندی یا جدایی و استقلال کردستان است. جواب درست در این همه پرسى، در عراقی که حق شهروندی وجود خارجی ندارد، رأی به جدایی کردستان و تشکیل دولت مستقل، به عنوان راه کم مشقت بار برای کاهش تنش قومی و جنگ دائمی است.

در این میان یکی از مشکلات جدی و گاهی مناطقی است که به دلیل تاریخی و ترکیب جمعیتی به "مناطق مورد اختلاف" معروفاند. راه حل متمدانه برای این مناطق، شرکت دادن در همه‌پرسی و به